شیعه و حسینیه‌ها

**الشیعة والحسینیات**

**تألیف:**

**شیخ عبدالله عبدالعزیز**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | شیعه‌ها و حسینیه‌ها | | | |
| **عنوان اصلی:** | الشيعة والحسينيات | | | |
| **تألیف:** | شیخ عبدالله عبدالعزیز | | | |
| **مترجم:** | اسحاق دبیری / | | | |
| **موضوع:** | آداب و رسوم اسلامی - بررسی عزاداری و حسینیه‌ها | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | دی (جدی) 1394 شمسی، ربیع الأول 1437 هجری | | | |
| **منبع:** | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com | | | |
|  |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  [**www.aqeedeh.com**](http://www.aqeedeh.com) | | | |  |
| **ایمیل:** | [**book@aqeedeh.com**](mailto:book@aqeedeh.com) | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  [www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com) | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| [contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com) | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc440990829)

[شيعه و حسينيه‌ها 1](#_Toc440990830)

[بدعت گریه و خود زنی 5](#_Toc440990831)

[شیعه زیارت قبر را بر حج ترجیح می‌دهند. 13](#_Toc440990832)

[دروغ پردازی‌های شیعه درباره خاک کربلا 17](#_Toc440990833)

[ساختن تسبیح از خاک قبر 18](#_Toc440990834)

[خاک قبر حسین شفای درد است. 18](#_Toc440990835)

[سنت روز عاشوار روزه است نه خود زنی 19](#_Toc440990836)

شیعه و حسینیه‌ها

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئّات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أشهد أن محمداً عبده ورسوله ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١﴾ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١﴾.

أما بعد فان أصدق الحديث كتاب الله وأحسن الهدي هدی محمد وشر الأمور محدثاتها وكل محدثة بدعة وكل بدعة ضلالة وكل ضلالة في النار.

براستی که علمای شیعه، ‌نشر و پخش شیعه‌گرایی را بر خود واجب کرده و در راه ترویج و توسعه این مذهب از هیچ کوششی دریغ نکرده و از ظلم و ستم بر سایرین و سرکوب مخالفین هرگز کوتاه نیامده‌اند، هر وسیله‌ایی را به کار برده و هر راهی را رفته‌اند، کتاب‌های بسیار زیادی را به چاپ رسانیده و به صورت رایگان توزیع کرده و علمایشان را به دورترین نقاط جهان فرستاده‌اند، نیاز نیازمندان را برطرف ساخته و از نویسندگان ضعیف الأیمانی که آخرت خود را به دنیا فروخته‌اند بهترین بهره را جهت نوشتن خواسته‌های خود برده‌اند، ‌تمام این تلاش و زحمات برای عوامفریبی و گول زدن افراد ساده لوح و ناآگاه است.

موضوع این رساله ما بهره برداری آنان از جریان شهادت امام حسینس است که با چرب زبانی و نیرنگ و کتمان حقیقت و نقل داستان‌ها و روایات دروغین، احساسات و عواطف مردم ساده را بر انگیخته تا بدین شیوه بتوانند به هدف اساسی خود که وارونه جلوه‌دادن دین و طعنه زدن بر یاران پیامبر و فرستادن لعن و نفرین بر بهترین امت است دست یابند.

جالب اینجا است که اهل بیت پیامبر شیعه را مذمت کرده و از آن‌ها به بدی یاد کرده‌اند. جای هیچ شک و تردیدی نیست که تمام جریمه‌ها و سمت‌ها به شیعه برگشته و بر آن‌ها ثابت می‌گردد.

آن‌ها امام حسین را به کوفه دعوت کرده و پس از آمدنش از وی حمایت نکرده و در نتیجه جنایت وحادثه کربلا رخ داد. امام حسین رو در روی آنان می‌گوید: وای بر شما، هلاکت و نابودی و گرفتاری و بینوایی و عذاب سخت بر شما باد، ما را با عشق و شور و اشتیاق دعوت کردید و ما نیز در کمال سرعت و با اضطراب درونی، ‌دعوت شما را اجابت کردیم، اما شما شمشیری را که دردستان ما بود، علیه خود ما تیز کرده و آتشی را که ما بر دشمن مشترکمان روشن کرده بودیم، علیه ما بر افروختید، ‌علیه دوستان خود دشمنی واحد و برای دشمنانتان یاور و همدم شدید، گناهی از ما به نسبت شما سر نزده بود، پس وای به حال شما که ما را نپسندیدید (شما باعث این جنگ شدید) شمشیر در غلاف بود و دل‌ها آرام و ساکت و پرچم جنگ بر افروخته نبود، شما با سرعت زیاد مانند حیوان تیز پا به سوی پیمان بستن با ما شتافته و برای آن بستر سازی کردید، ‌اما پس از آن با حماقت و گمراهی، ‌آن پیمان را شکستید، بله به خدا سوگند آن اخلاق پسندیده‌ایی که ریشه شما بر آن سبز شده بود، در میان شما سرافکنده و نابود شده پس کثیف‌ترین میوه درختید و لقمه خوبی هستید برای غاصب، ‌آگاه باشید که لعنت و نفرین خدا بر ستم‌گران پیمان شکنی که پس از بستن عهد و بیعت آن را می‌شکنند[[1]](#footnote-1).

فاطمه صغری که شیعه بر وی اشک تمساح می‌ریزند، می‌گوید: ای اهل کوفه اهل فریب و نیرنگ و غرور و پیمان شکنی، خداوند ما اهل بیت پیامبر را وسیله امتحان شما و شما را وسیله امتحان ما قرار داد، ما از امتحان سربلند بیرون آمدیم[[2]](#footnote-2).

امام علی ابن حسین مشهور به امام سجاد که شیعه وی را چهارمین امام معصوم می‌دانند نیز می‌گوید: ای فریبکاران نیرنگ باز، دست شما رو شده و هوای نفستان آشکار گشته آیا می‌خواهید همچنان که به نزد پدرانم رفته و با آن‌ها بیعت کردید، به نزد من بیائید و با من بیعت کنید؟[[3]](#footnote-3).

امام حسن حضرت معاویه را بر شیعیان مکار و فریبکار برتری داده و می‌گوید: به خدا سوگند که معاویه در نظر من بهتر از این کسانی است که خود را شیعیان من دانسته و در عین حال قصد قتل مرا دارند، ثروتم را انتخاب کرده و دارایی‌‌ام را گرفته‌اند به خدا سوگند اگر معاویه از من پیمان و بیعتی بگیرد که به سبب آن، خونم حفظ گشته و زن و بچه‌‌ام در امان باشند، ‌بهتر از آن است که شیعیان مرا بکشند و زن و بچه‌ام را نابود کنند و اگر به جنگ با معاویه در افتم، همین شیعیان گردنم را گرفته و مرا به معاویه تسلیم می‌کنند[[4]](#footnote-4).

امام علی نیز می‌فرماید: به خدا سوگند که دوست دارم معاویه افرادش را با افرادم معاوضه کند همانند معاوضه درهم با دینار، ‌ده نفر از شما را گرفته و درمقابل، یک نفر از افرادش را به من بدهد (و در عین حال هر بار) دو سه نفر از شما را به عنوان بخشش و انعام به وی بدهم.

ای کسانی که گوش دارید و نمی‌شنوید، ‌زبان دارید و لال شده‌اید، چشم دارید و در عین حال کورید نه به هنگام دیدار صادقید و نه در حال گرفتاری و مصیبت مورد اطمینان، دستان شما بریده باد ماند گله شتری هستید که چوپانش آن را ترک کرده از هر طرف که جمع گردند از طرف دیگر پراکنده می‌شوند[[5]](#footnote-5).

این رأی و نظر اهل بیت در مورد شیعه است دیدید که آن‌ها شیعه را فریبکار، ‌خائن و پیمان شکن دانسته‌اند، ما این جملات را از دو منبع معتبر شیعه یعنی الاحتجاج طبرسی و نهج البلاغه نقل کرده‌ایم علاوه بر این مهم‌ترین استاد علم جرح و تعدیل نزد شیعه، ‌ابو عمروکشی به سند خود موارد دیگری از کلام اهل بیت را روایت کرده که ما نیز آن‌ها را نقل می‌کنیم:

امام جعفرصادق می‌فرماید: هر آیه‌ایی را که خداوند درباره منافقین نازل کرده باشد، این آیه درمود کسانی که خود را شیعه می‌دانند صدق می‌کند[[6]](#footnote-6).

و همچنین فرموده: اگر امام زمان ظهور کند، ‌از کشتار شیعیان دروغگو شروع می‌کند[[7]](#footnote-7).

این نیز از فرمایشات ایشان است که می‌فرماید: براستی کسانی که خود را شیعه می‌دانند از یهود و نصاری و آتش پرستان بدترند[[8]](#footnote-8).

امام باقر می‌فرماید: اگر همه مردم شیعه ما شوند، آنان در حقانیت ما شک داشته و باقیمانده احمق‌اند[[9]](#footnote-9).

امام رضا می‌فرماید: فتنه وشر کسانی که خود را شیعه ما می‌دانند از شر و فتنه دجال بر ما خطرناک‌تر است[[10]](#footnote-10).

آقای کلینی کسی که شیعه وی را ثقة الإسلام نامیده‌اند، به سند خویش از موسی پسر بکر واسطی نقل کرده که ابی الحسن فرمود: اگر در میان شیعیان خود تحقیق و بررسی کنم، می‌بینم که همگی سازنده دروغ و موضوعات‌اند و اگر آن‌ها را امتحان کنم همگی مرتد از آب در می‌آیند و اگر‌ بهترین‌ها را جدا کنم از هزار نفر یک نفر نمی‌ماند[[11]](#footnote-11).

با این وجود نمی‌دانم چه چیزی برای شیعه باقی مانده، چرا جنایت نیاکانشان خود را به نادانی زده‌اند؟ گویا هیچ فریب و نیرنگ و مکری از آنان روی نداده و چرا این جملات ارزشمند اهل بیت در مذمت و بدگویی از خود را فراموش کرده‌اند؟

بدعت گریه و خود زنی

عبدالحسین شرف الدین موسوی کتابی موسوم به «الـمجالس الفاخرة في ماتم العترة الطاهرة» تألیف کرده و طبق عادت همیشگی خود، به دفاع از بدعت و خرافات عبادتی شیعه پرداخته و همچنان که از نام کتابش پیدا است با آب و تاب بسیار، مسئله بر پا داشتن مجلس عزا را ذکر کرده و تلاش کرده گریه‌کردن پیامبر، ‌بر مرگ پسرش ابراهیم را وسیله‌ایی جهت مهر تأیید گذاشتن به مجلس عزا و ماتم شیعه قرار دهد[[12]](#footnote-12).

بله چشمان پیامبرص پر اشک بود اما آیا آنچه را که شیعه در عزاداری‌های خود انجام می‌دهند، ‌انجام داد؟ آیا برای شهادت عمویش حمزهس سالروزی گذاشت تا هر ساله مردم را جمع کرده و مانند آخوندهای شیعه خود را به گریه بزند تا آن‌ها نیز گریه کنند؟ و آیا مجالسی که موسوی از آن‌ها نام برده مجلس قلیان و سیگار و چای و قهوه بود؟

در بخشی دیگر از کتابش می‌گوید: اخلاق و روش ائمه بر گریه و زاری و خود زنی مداومت داشته وبه دوستان خود توصیه می‌کردند که مراسم عزا و غم و اندوه برای امام حسین همیشه بر پا شود و نسل پس از نسل ، این ماتم و حزن را تازه کنند[[13]](#footnote-13).

و همچنین در دفاع از خود در مقابل کسانی که شیعه را بخاطر گریه و زاری و عزا، ‌سرزنش می‌کنند، ‌می‌گوید: اگر ملامت کننده احمق می‌دانست که ماتم ما برای اهل بیت چه نصرت و یاری بزرگی برای آنان و چه جنگ ویرانگری علیه دشمنانشان است، ‌در مقابل غم و اندوه ما سر تعظیم فرود می‌آوردند[[14]](#footnote-14).

و بزرگ‌ترین فلسفه و حکمت و راز مجالس ماتم و عزای ما همین است و به همین خاطر است که نسل پس از نسل آن را ادامه می‌دهیم[[15]](#footnote-15).

ما نیز در جواب می‌گوئیم: شریعت مقدس اسلام این گریه و زاری‌های شما را منع کرده و از آن نهی می‌کند و این نهی و منع در روایات ما و شما مشهود است و من در اینجا روایاتی از کتب شیعه را نقل می‌کنم:

1. محمد بن علی بن حسین، عالمی که نزد شیعه به شیخ صدوق مشهور است می‌گوید: یکی از احادیث پیامبر که تا حال ذکر نگشته این است که: «ألنياحة من عمل الجاهلية» «نوحه خوانی و گریه و زاری از کارهای دوران جاهلیت است»[[16]](#footnote-16).
2. امام صادق از پدرانش نقل می‌کند که: «نهي رسول اللهص عن الرّنة عند الـمصيبة ونهي عن النياحة و الاستماع اليها»[[17]](#footnote-17). «پیامبر اکرمص از گریه‌کردن با آواز بلند و نوحه خوانی و گوش دادن به آن نهی فرمود».
3. پیامبر اکرمص می‌فرماید: «صوتان ملعونان يبغضهما الله: اعوال عند مصيبة وصوت عند نعمة يعني النوح و الغناء»[[18]](#footnote-18). «دو صدا ملعون‌اند و خدا از آن‌ها متنفر و بیزار است: صدای گریه و زاری و شیون و نوحه به هنگام مصیبت و صدایی به هنگام شادی یعنی نوحه خوانی در ماتم و عزا و آواز به هنگام شادی».
4. ابی‌عبدالله می‌فرماید: داد و فریاد و نوحه خوانی برای میت جایز نیست و لازم ندارد اما مردم نمی‌دانند[[19]](#footnote-19).
5. در نامه امام علی به رفاعه پسر شداد آمده که: مواظب باش در شهری که مردم از تو حرف شنوی دارند (در آن حکومت می‌کنی) هرگز اجازه ندهی که نوحه خوانی بر مرده انجام شود[[20]](#footnote-20).
6. امام صادق می‌فرماید: کسی که به هنگام مصیبت با دستش بر ران‌هایش بزند اجرش باطل گشته است[[21]](#footnote-21).
7. ابی عبدالله می‌فرماید: داد و فریاد و گریه و نوحه بر مرده لازم نیست و نباید صاحب عزا لباس پاره کند (سینه چاک کند)[[22]](#footnote-22).
8. همچنین وقتی جعفر ابن ابی طالب به شهادت رسید، ‌ایشان به فاطمه فرمودند: به کلمات ذلیلی و مرگ و واویلا و غم و اندوه صدایت را بلند نکن[[23]](#footnote-23).
9. ابو سعید خدری می‌فرماید: «إن رسول الله لعن النائحة والـمستمعة». «پیامبر اکرمص بر نوحه خوان و همچنین کسی که به نوحه خوانی گوش فرا دهد، ‌لعن و نفرین فرستاده است»[[24]](#footnote-24).
10. ابو جعفر می‌فرماید: شدیدترین ناشکیبایی و بی‌صبری، گریه با صدای بلند و داد وفریاد و نوحه خوانی و کوبیدن بر صورت و سینه و کندن موی سر است و هرکس که نوحه خوانی کند صبر و شکیبایی را ترک کرده و راهی جز راه راست را گرفته است[[25]](#footnote-25).

در رد و نهی و منع خود زنی و سینه زنی شیعه در حسینیه‌ها و عزاداری‌هایشان نیز احادیث بسیار زیادی در کتب اهل تشیع آمده که بعضی را نقل می‌کنیم:

1. ابوالمقدام می‌فرماید: از ابوالحسن و ابو جعفر شنیدم که در تفسیر آیه: ﴿وَلَا يَعۡصِينَكَ فِي مَعۡرُوفٖ﴾ [الـممتحنة: 12]. ولا تنادي بالويل ولا تقيمن على نائحة ثم قال هذا هو الـمعروف الذي قال الله فيه: ﴿وَلَا يَعۡصِينَكَ فِي مَعۡرُوفٖ﴾[[26]](#footnote-26) «اگر من مُردم بخاطر مرگ من صورتت را پاره نکن، موی سرت را نکن، و با صدای بلند و داد و فغان بر من گریه نکن و نوحه خوان را بر سر جنازه من نیاور، ‌سپس فرمود: کار نیکی که خداوند دستور فرموده که در آن از من سرپیچی نکنید، ‌همین است».
2. ابی عبدالله نیز در تفسیر آیه مذکور می‌فرماید: کار نیکی که خداوند امر به اطاعت از آن فرموده این است که (به هنگام مصیبت) لباس پاره نشود، ‌صورت‌ها را نزنند و نوحه خوانی و واویلا راه نیانداخته و به نزد قبر اقامت نکنند[[27]](#footnote-27).
3. همچنین روایتی که در فصل گذشته از ابی‌جعفر روایت شده که فرمود: شدیدترین ناشکیبائی و بی‌صبری گریه با صدای بلند و داد و فغان و نوحه‌خوانی و کوبیدن بر صورت و سینه و کندن موی سر است[[28]](#footnote-28).
4. امام حسین به خواهرش زینب توصیه کرد که: خواهرم تو را به خدا سوگند می‌دهم و خواهش می‌کنم به سوگند و توصیه‌‌ام عمل کن. اگر من مردم لباست را پاره نکرده و بر مرگ من واویلا و داد و فریاد راه نیانداز[[29]](#footnote-29).
5. و در جایی دیگر می‌فرماید: کسی که به هنگام مصیبت بر صورت خود کوبیده و سینه را پاره کند از ما نیست[[30]](#footnote-30).

شیعه در ماه محرم به عنوان عزاداری امام حسین، لباس سیاه می‌پوشند نمی‌دانم که فرموده امام علی را نمی‌دانند یا خود را از دانستن آن به نادانی زده‌اند که می‌فرماید: لباس سیاه نپوشید زیرا که لباس مخصوص فرعون است[[31]](#footnote-31).

فردی از امام صادق در رابطه با پوشیدن کلاه سیاه پرسید، ایشان در جواب فرمودند: با کلاه سیاه نماز نخوان زیرا که لباس اهل جهنم است[[32]](#footnote-32).

و همچنین می‌فرماید: نزد هیچ قبری اقامت نکنید، لباس سیاه نپوشید و موی سر را پخش نکنید[[33]](#footnote-33).

امام صادق از پیامبر روایت می‌کند که فرمود: «لا تلطمن وجهاً ولا تنتفن شعراً ‌ولا تشققن جيباً ولا تسودن ثوباً» «بر صورت خود نکوبید، موی سرتان را نکنید، ‌سینه‌ها را پاره نکرده و لباس‌ها را سیاه نکنید»[[34]](#footnote-34).

شنیدم که یک سخنران شیعه پاکستانی از خود زنی و سینه زنی دفاع می‌کرد و برای صحت گفته‌هایش به این آیه قرآن استناد می‌کرد که می‌فرماید: ﴿فَأَقۡبَلَتِ ٱمۡرَأَتُهُۥ فِي صَرَّةٖ فَصَكَّتۡ وَجۡهَهَا وَقَالَتۡ عَجُوزٌ عَقِيمٞ ٢٩﴾ [الذاریات: 29]. وقتی ملائک مأمور خدا به منزل ابراهیم آمده و خبر حاملگی همسرش را به وی دادند، همسرش با تعجب جیغ کشید و بر صورت خود کوبید و گفت (ای وای) من پیرزنی نازا هستم (مگر می‌شود که حامله شوم؟) ما نیز در جواب می‌گوئیم اولاً: بر فرض صحت تفسیر و برداشت آن سخنران شیعه از آیه مذکور، هرگز از آیه فهم نمی‌شود که خداوند عمل همسر ابراهیم را پسندیده و از آن مدح می‌کند، همچنان که از آیه پیدا است او گفت: من پیرزنی نازا هستم و (این تعجب از قدرت و بشارت الهی) را شرع نمی‌پسندد. دوماً: سخنران مذکور خود را از تفسیر امامانش در رابطه با آن آیه به نادانی زده چون درتفسیر قمی آمده همسر ابراهیم در میان جماعتی جیغ کشید و هنگام شنیدن مژده حاملگی به صورت خود کوبید[[35]](#footnote-35).

ابوعلی ابن الحسن در تفسیر مجمع البیان می‌گوید: همسر ابراهیم از شدت تعجب انگشتان دستش را جمع کرد و بر پیشانیش زد[[36]](#footnote-36).

ملا محسن فیض کاشانی می‌گوید: در حالت تعجب با انگشتان دستش بر پیشانی خود زد[[37]](#footnote-37).

سوماً: آقای سخنران چون صفت امانتداری علمی را نداشت، روایاتی را که ما از کتب معتبر شیعه آورده‌ایم، مخفی کرده و نقل نمی‌کرد به این آیه استناد می‌کرد تا بلکه بتواند در صحت حدیث صحیح (لیس منا من لطم الخدود و شق الجیوب و دعا بدعوي الجاهلیة) شک وارد کند که می‌فرماید: کسی که بر صورت خود کوبیده، ‌سینه را پاره کرده و مانند دوران جاهلیت واویلا و آه و فغان کند از ما نیست[[38]](#footnote-38).

آیا او روایت مهمترین مجتهدشان مجلسی از امام صادق را ندیده که می‌گوید: پیامبر اکرمص از واویلا و داد و فغان به هنگام مصیبت و همچنین از نوحه خوانی و گوش فرا دادن به آن و کوبیدن بر صورت نیز نهی فرمود[[39]](#footnote-39).

پس وصیت امام جعفر صادق به هنگام مرگش چی شد که فرمود: بخاطر مرگ من صورت خود را نزده و لباس‌هایتان را پاره نکنید (سینه چاک نکنید)[[40]](#footnote-40).

از پیامبر پرسیدند چه چیزی باعث باطل شدن اجر و پاداش انسان می‌شود؟ فرمود: «تصفيق الرجل بيمينه علد شماله والصبر عند الصدمة الأولد من رضي فله السخط» «به هنگام مصیبت دست راست را بر چپ‌زدن باعث آن می‌شود براستی که صبر و شکیبایی به هنگام مصیبت بهتر است و کسی که به ناشکیبایی راضی باشد نارضایتی خدا برای او است»[[41]](#footnote-41).

پس اگر دست راست را بر چپ زدن باعث باطل شدن اجر و پاداش انسان باشد، ‌به طریق الأولی بر صورت کوبیدن و سینه دریدن در این تحریم سهم بیشتری دارد.

و آیا روایت دیگر مجلسی از ابی عبدالله را نمی‌دانست که می‌گوید: نمی‌دانم در میان این سه نفر جرم کدامشان سنگین‌تر است کسی که به هنگام مصیبت مردم، بدون پوشیدن جبه و عبا پشت سر جنازه راه بیافتد، کسی که به هنگام مصیبت دستش را بر رانش می‌کوبد یا کسی که می‌گوید: با وی مهربان باشید[[42]](#footnote-42).

شیعه زیارت قبر را بر حج ترجیح می‌دهند.

زیاده روی شیعه در گمراهی به حدی رسیده که معتقداند زیارت قبر امام حسین در کربلا از حج خانه خدا برتر است، ‌از ابی عبدالله روایت می‌کنند که می‌گوید: کسی که در روز عرفه قبر امام حسین را زیارت کند خداوند برای او یک میلیون حج با امام زمان، ‌یک میلیون عمره با پیامبر، ‌آزاد کردن هزار برده و آماده ساختن هزار مجاهد برای جهاد در راه خدا را می‌نویسد و خداوند اسم او را «بنده صدیق من که به وعده‌ام ایمان دارد» می‌گذارد و ملائکه می‌گویند: فلان کس صدیق است چون خداوند از بالای عرش خود وی را تأیید کرده است و همچنین در سر زمین، ‌او را فرشته مقرب درگاه خدا می‌نامند[[43]](#footnote-43).

در روایتی دیگر آمده که ابی عبدالله فرمود: کسی که به نزد قبر امام حسین برود در حالی که مقام و منزلت ایشان را بشناسد مانند آن است که صد بار حج کرده باشد[[44]](#footnote-44).

شیعه‌ایی که نتواند قبر امام حسین را زیارت کند، باید برای جبران خسارت بیست و یک بار حج خانه را انجام دهد تا به درجه زائر قبر حسین برسد. حذیفه پسر منصور می‌گوید: ابی عبدالله از من پرسید چند بار به حج رفته‌ای؟ عرض کردم نوزده بار، فرمود اگر بیست و یک بار را کامل کنی آنچه را که برای زائر قبر امام حسین می‌نویسند برای تو نیز می‌نویسند[[45]](#footnote-45).

اهل تشیع از این نوع روایات دروغین و جعلی بسیار دارند حتی در بعضی از آن‌ها آمده که زیارت قبر امام حسین، ‌انسان را از حج بی‌نیاز می‌سازد و کسی که نمی‌تواند به حج برود، ‌زیارت قبر وی برای او کافی است.

از ابی‌عبدالله روایت است که فرمود: اگر خواستی به حج بروی و نتوانستی پس به زیارت قبر امام حسین برو که برایت حج نوشته می‌شود و اگر خواستی به عمره بروی و نتوانستی باز هم به زیارت قبر امام حسین برو که برایت عمره نوشته می‌شود[[46]](#footnote-46).

علامه شیعه آیت الله سید عبدالحسین دستغیب می‌گوید: براستی که خداوند با بندگان خود بسیار مهربان است که زیارت قبر امام حسین را به جای حج خانه خود جایگزین کرده تا کسی که نمی‌تواند به حج برود، آن زیارت را انجام دهد و حتی برای بعضی از مسلمانان که می‌توانند شرایط زیارت را به دقت رعایت کنند، ثوابش از حج بیشتر است همچنان که در روایات صریح آمده است[[47]](#footnote-47).

حتی می‌گویند: خداوند قبل از اینکه به حجاج بیت الله الحرام در صحرای عرفات بنگرد، به زائرین قبر امام حسین می‌نگرد.

راوی روایت می‌گوید: از ابی عبدالله پرسیدم آیا واقعاً‌ خداوند قبل از اینکه به اهل عرفات بنگرد، ‌به زائرین قبر امام حسین می‌نگرد؟ گفت: بله گفتم چرا؟ گفت: چون در میان حاجیان عرفات اولاد زنا وجود دارد اما درمیان زائرین قبر امام حسین چنین شخصی وجود ندارد[[48]](#footnote-48).

و همچنین در روایتی دیگر آمده که: خداوند در روز عرفه قبل از نظر به سوی اهل عرفات به سوی زائرین قبر امام حسین نظر رحمت دارد[[49]](#footnote-49).

این روایات دروغینی که شک در بطلان و ساختگی بودن آنان نیست، براستی بی‌حیایی و بی‌آبرویی سازنده آن و حماقت کسانی را می‌رساند که آن را باور کرده‌اند چون مخالف حدیث صحیح پیامبر است که می‌فرماید: «لاَ تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلاَّ إِلَى ثَلاَثَةِ مَسَاجِدَ مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِى هَذَا وَمَسْجِدِ الأَقْصَى»[[50]](#footnote-50). «به سوی هیچ مکانی بار سفر نبندید جز به سوی سه مسجد، مسجد الحرام (در مکه) همین مسجد من (در مدینه منوره) و مسجد الاقصی (در بیت المقدس)».

و همچنین در روایتی دیگر از ابوسعید خدری آمده است که پیامبر فرمود: «لاَ تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلاَّ إِلَى ثَلاَثَةِ مَسَاجِدَ مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِى هَذَا وَمَسْجِدِ الأَقْصَى» «بار سفر جز به سوی یکی از سه مسجد نبندید، همین مسجد من، مسجد الحرام و مسجد الأقصی».

اگر می‌گوئی شاید شیعه این دو حدیث را باور ندارند، در جواب می‌گوئیم: همین حدیث در کتب اهل تشیع آمده هر چند که بخشی از آن را تحریف کرده‌اند، سه نفر از بزرگ‌ترین علمای مشهور شیعه شیخ صدوق، حرّ عاملی و مجلسی از امام علی روایت می‌کنند که فرمود: «لا تشدّوا الرّحال إلا الى ثلاثة مساجد الـمسجد الحرام ومسجد رسول الله ومسجد الكوفة»[[51]](#footnote-51).

«بار سفر را جز به سوی سه مسجد نبندید مسجد الحرام، ‌مسجد پیامبر و مسجد کوفه».

حال بر فرض صحت روایت آن‌ها از امام علی باز کار شیعه غلط و حرام است چون آن‌ها به سوی مشهد، نجف، مقام زینب و غیر آن‌ها از قبر و گنبد و بارگاه سفر می‌کنند خصوصاً قبر امام حسین، که یک بار زیارتش نزد آنان از هشتاد بار حج کردن بهتر است.

سؤال اینجاست که اگر زیارت قبر امام حسین چنین ارزشی دارد، ‌و برابر با بیست یا هشتاد بار حج خانه خدا است، ‌چرا در قرآن از آن نامی نیامده است؟

هستند کسانی (از اهل سنت) که با حسن نیت ‌وجود چنین عقیده‌ای در دل شیعیان را انکار کرده و باور ندارند که شیعه زیارت قبر و امامت نزد آن و طوافش را بر حج برتری می‌دهند.

احادیثی که از کتب شیعه نقل کردیم، علیه آنان شهادت می‌دهند، ‌دیدید که در عقیده آنان کسی که نمی‌تواند قبر امام حسین را زیارت کند، باید بیست و یک بار حج کند تا فضیلت زیارت قبر وی را بدست آورد.

ما به عنوان هشدار و زنگ خطر، ‌این حدیث پیامبر را یادآور می‌شویم که می‌فرماید: «لا تتخذوا قبري قبلة ولا مسجدا فان الله عزوجل لعن اليهود حيث اتخذوا قبور انبيائهم مساجد»[[52]](#footnote-52).

«قبر مرا قبله و یا مسجد قرار ندهید براستی که خداوند یهودیان را لعن و نفرین کرده چون قبر پیامبران خودرا محل سجده و نماز قرار دادند».

دروغ پردازی‌های شیعه درباره خاک کربلا

شیعه برای سجده بردن بر خاک قبر امام حسین ارزش و خاصیتی منحصر به فرد ساخته‌اند.

از ابی‌عبدالله روایت می‌کنند که: سجده بردن بر خاک قبر امام حسین حجاب‌های هفتگانه را پاره می‌کند[[53]](#footnote-53).

از امام صادق روایت کرده‌اند که: سجده بردن بر خاک قبر امام حسین هفت طبقه زمین را نورانی می‌کند[[54]](#footnote-54). این دو روایت دروغ شیعه را بر ملا می‌کند که در مقام دفاع از خود می‌گویند: هدف ما سجده بردن بر خاک قبر حسین نیست، بلکه بخاطر کسب اطمینان از نظافت محل سجده، آن را می‌گذاریم و این ادعا کاملاً‌ باطل است چون سجده بردن فقط با پیشانی نیست بلکه با هفت عضو انسان (دو کف دست، دو سینه پا، دو زانو و پیشانی) به سجده بیفتد، شیعه روی یک عضو (پیشانی) سجده می‌برد، پس شش عضو دیگر چی؟ این در حالی است که حتی در روایات خودشان، بینی جزو پیشانی محسوب شده و تأکید شده که باید روی محل سجده قرار گیرد.

از امام صادق نقل است که فرمود: کسی که بینی وی آنچه را که پیشانیش انجام می‌دهد، انجام نداده باشد نمازش صحیح نیست[[55]](#footnote-55).

همچنان که شیخ طوسی در دو کتاب خود از امام علی روایت می‌کند که: چنین نمازی صحیح نیست که آنچه پیشانی انجام می‌دهد بینی انجام نداده باشد[[56]](#footnote-56).

ساختن تسبیح از خاک قبر

اضافه بر مسأله سجده آن‌ها معتقداند که اگر کسی تسبیحی با خود حمل کند که از خاک قبر امام حسین ساخته شده باشد او تسبیح کننده است هر چند که تسبیح هم نکرده باشد.

از امام صادق روایت می‌کنند که فرمود: کسی که تسبیحی همراه داشته باشد که از گل قبر امام حسین ساخته باشند، ‌نزد خدا تسبیح‌کننده محسوب می‌شود هر چند که تسبیح نکند[[57]](#footnote-57).

علتش این است که طبق اعتقاد شیعه سرزمین کربلاء پاک‌ترین، مقدس‌ترین و با عظمت‌ترین نقطه کره زمین بوده و از آن روز که خدا آن را آفریده همین طور بوده است در این رابطه جمله‌ایی را نیز به پیامبر اکرمص نسبت داده‌اند که گویا فرموده است: «هي أطهر بقاع الارض وأعظمها حرمة وإنها لـمن بطحاء‌الجنة»[[58]](#footnote-58). «آنجا پاکترین نقطه روی زمین، ‌با عظمت‌ترین آن و قسمتی از خاک بهشت است».

خاک قبر حسین شفای درد است.

از ابی‌عبدالله روایت است که فرمود: براستی که خداوند متعال آن خاک را وسیله شفا برای شیعیان و دوستان ما قرار داده‌است[[59]](#footnote-59).

سعد می‌گوید: از امام رضا درباره خاکی که مردم آن را می‌خورند پرسیدم، فرمودند خوردن هر خاکی همانند خوردن گوشت مردار، خون ‌و گوشت حیوانی که برای غیر خدا قربانی شده باشد، حرام است جز خوردن خاک قبر حسین که شفای هر دردی است[[60]](#footnote-60).

و همچنین ابی عبدالله می‌فرماید: در خاک قبر امام حسین شفای هر دردی وجود دارد و آن خاک، ‌بزرگ‌ترین دواء‌است[[61]](#footnote-61).

سنت روز عاشوار روزه است نه خود زنی

مادامی که به موضوع عاشورا و مسائل آن پرداخته‌ایم لازم است بگوئیم که: اهل سنت بزرگداشت روز عاشورا را در روزه می‌بینند نه در خود زنی و سینه دریدن.

ابن عباسب می‌فرماید: ندیدم که پیامبرص روزه‌گرفتن در هیچ روزی را بر روزی دیگر ترجیح دهد جز روز عاشورا بر سایر ایام و ندیدم که ماهی را بر ماه رمضان برتری دهد[[62]](#footnote-62).

و همچنین می‌گوید: وقتی پیامبر به مدینه تشریف فرما شد، دید که یهودیان در آنجا روز عاشورا را روزه می‌گیرند فرمود: «ما هَذَا الْيَوْمُ الَّذِى تَصُومُونَهُ. فَقَالُوا هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ أَنْجَى اللَّهُ فِيهِ مُوسَى وَقَوْمَهُ وَغَرَّقَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ فَصَامَهُ مُوسَى شُكْرًا فَنَحْنُ نَصُومُهُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِص: فَنَحْنُ أَحَقُّ وَأَوْلَى بِمُوسَى مِنْكُمْ فَصَامَهُ رَسُولُ اللَّهِص وَأَمَرَ بِصِيَامِهِ»[[63]](#footnote-63). «(فرمود) این چه روزی است که شما روزه می‌گیرید؟ گفتند: روز بزرگی است که خداوند موسی و امتش را نجات داده و فرعون و قومش را غرق کرد، ‌موسی نیز به عنوان شکرگزاری آن روز را روزه گرفت و ما نیز روزه می‌گیریم پیامبر فرمود: ما لایق‌تر و نزدیک‌تر به موسی هستیم تا شما، ‌پس پیامبر روزه گرفت و به روزه گرفتن در آن روز امر فرمود».

درجایی دیگر می‌فرماید: وقتی پیامبر روز عاشورا را روزه گرفته و به آن امر فرمود، عرض کردند «يا رسول الله إنه يوم يعظمه اليهود والنصاري فقال لئن بقيت إلى قابل لأصومن التاسع». «ای پیامبر خدا عاشورا روزی است که یهود و نصاری آن را بزرگ می‌دارند پیامبر فرمود: اگر زنده ماندم سال آینده روز نهم (تاسوعا) را نیز روز می‌گیرم (تا شباهت به آنان در عبادت ما از بین برود)»[[64]](#footnote-64).

روزه روز عاشورا در روایات شیعه نیز آمده است ابی عبدالله از پدرش روایت می‌کند که: امام علی فرمود: روز عاشورا را روزه بگیرید به این طریق که روز نهم و دهم محرم را با هم روزه باشید چون گناه یکسال را پاک می‌کند[[65]](#footnote-65).

ابی الحسن می‌فرماید: پیامبر و خاندان وی روز عاشورا را روزه می‌گرفتند**[[66]](#footnote-66)**.

امام جعفر از پدرش روایت می‌کند که: روزه روز عاشورا کفاره گناه یکسال است[[67]](#footnote-67). پس بر شیعه واجب است روضه خوانی و نوحه سرایی و بر پا داشتن مجالس عزا و ماتم حسینیه‌ها را ترک کرده (و بجای آن روزه بگیرند) چون پیامبر اکرم در آن روز روزه گرفته و امام علی به آن امر کرده و امام باقر نیز می‌فرماید: روزه گرفتن در روز عاشورا باعث پاک شدن گناهان یکسال خواهد شد، پس چرا نفرمود: بر پا داشتن مجلس عزا و ماتم کفاره گناهان یکسال است.

آیا شیعه چیزی را کشف کرده که پیامبر اکرم از آن بی‌خبر بوده و آن را از دست داده است؟ چرا هرگز نفرمود: در روز عاشورا پسرم حسین کشته می‌شود و بر شما لازم است که در آن روز عزا و ماتم بگیرید.

از پروردگار بلند مرتبه توانا خواستارم این رساله را که عجالتاً‌ نوشته‌ام وسیله نفع بخشیدن به مردم و ذخیره روز قیامتم قرار دهد.

وإلى الله على محمّد و على آله وصحبه وسلّم

عبدالله بن عبدالعزیز

1. - الإحتجاج طبرسی ج ص24. [↑](#footnote-ref-1)
2. - الإحتجاج طبرسی ج2 ص32. [↑](#footnote-ref-2)
3. - الإحتجاج طبرسی ج2 ص27. [↑](#footnote-ref-3)
4. - الإحتجاج طبرسی ج2 ص10. [↑](#footnote-ref-4)
5. - نهج البلاغة ج1 ص188-190. [↑](#footnote-ref-5)
6. - رجال الكشی ص254. [↑](#footnote-ref-6)
7. - رجال الكشی ص253. [↑](#footnote-ref-7)
8. - رجال الكشی ص252. [↑](#footnote-ref-8)
9. - رجال الكشی ص179. [↑](#footnote-ref-9)
10. - وسائل الشيعة ج11 ص441. [↑](#footnote-ref-10)
11. - اصول كافی ج8 ص228. [↑](#footnote-ref-11)
12. - الـمجالس الفاخرة ص11. [↑](#footnote-ref-12)
13. - الـمجالس الفاخرة ص17. [↑](#footnote-ref-13)
14. - پیامبر اكرمص می‌فرماید: «عينان لا تمسهما النار ابداً‌عين بكت من خشية الله وعين باتت تحرس في سبيل الله». «دو چشم، ‌آتش جهنم را احساس نمی‌كنند: چشمی كه از ترس خدا گریه كرده باشد و چشمی كه در راه خدا نگهبانی داده باشد». چرا نفرمود: چشمی كه در حسینیه‌ها و مراسم عزا و ماتم گریه كند؟ (مؤلف) [↑](#footnote-ref-14)
15. - الـمجالس الفاخرة 36-37. [↑](#footnote-ref-15)
16. - وسائل الشيعة ج12 ص915؛‌ بحار الأنوار ج82 ص103. [↑](#footnote-ref-16)
17. - وسائل الشيعة ج2 ص915. [↑](#footnote-ref-17)
18. - مستدرك الوسائل نوری ج1 ص144؛ بحار الأنوار ج82 ص101. [↑](#footnote-ref-18)
19. - وسائل الشيعة ج2 ص916؛ ‌اصول كافی ج3 ص226؛ ‌الوافي ج12 ص88. [↑](#footnote-ref-19)
20. - مستدرك الوسائل ج1 ص144. [↑](#footnote-ref-20)
21. - وسائل الشيعة ج2 ص914. [↑](#footnote-ref-21)
22. - اصول كافی ج3 ص225؛‌ وسائل الشيعة ج2 ص916. [↑](#footnote-ref-22)
23. - من لا يحضره الفقيه ج1 ص112؛ الوافي ج13 ص88؛ ‌وسائل الشيعة ج2 ص915. [↑](#footnote-ref-23)
24. - مستدرك الوسائل ج1 ص144. [↑](#footnote-ref-24)
25. - اصول كافي ج3 ص223؛ ‌وسائل الشيعه ج2 ص915؛ ‌بحار الأنوار ج82 ص76. [↑](#footnote-ref-25)
26. - وسائل الشيعه ج2 ص915-916؛‌ مستدرك الوسائل ج1 ص144. [↑](#footnote-ref-26)
27. - تفسیر نور الثقلین ج5 ص308؛‌ مستدرك الوسائل ج1 ص144. [↑](#footnote-ref-27)
28. - سند این روایت در صفحه 6 گذشت. [↑](#footnote-ref-28)
29. - مستدرك الوسائل ج1 ص144. [↑](#footnote-ref-29)
30. - مرجع سابق. [↑](#footnote-ref-30)
31. - من لا يحضره الفقيه ج11 ص163؛‌ وسائل الشيعة ج2 ص287. [↑](#footnote-ref-31)
32. - من لا يحضره الفقيه ج1 ص162؛‌ وسائل الشيعة ج2 ص281. [↑](#footnote-ref-32)
33. - تفسیر نور الثقلین ج5 ص308؛ ‌مستدرك الوسائل ج1 ص124. [↑](#footnote-ref-33)
34. - تفسیر صافی ج5 ص166؛‌ تفسیر نور الثقلین ج5 ص307. [↑](#footnote-ref-34)
35. - تفسیر قمی ج2 ص303. [↑](#footnote-ref-35)
36. - مجمع البیان ج27 ص16. [↑](#footnote-ref-36)
37. - تفسیر صافی ج5 ص71. [↑](#footnote-ref-37)
38. - صحيح الجامع الصغير ج5 ص102. [↑](#footnote-ref-38)
39. - بحار الأنوار ج82 ص104. [↑](#footnote-ref-39)
40. - بحار الأنوار ج82 ص101. [↑](#footnote-ref-40)
41. - بحار الأنوار ج82 ص93. [↑](#footnote-ref-41)
42. - بحار الأنوار ج82 ص79. [↑](#footnote-ref-42)
43. - وسائل الشيعة ج10 ص360. [↑](#footnote-ref-43)
44. - وسائل الشيعة ج10 ص350. [↑](#footnote-ref-44)
45. - همان منبع سابق. [↑](#footnote-ref-45)
46. - وسائل الشيعة ج10 ص332. [↑](#footnote-ref-46)
47. - الثورة الحسينية ص15. [↑](#footnote-ref-47)
48. - وسائل الشيعة ج10 ص361. [↑](#footnote-ref-48)
49. - الثورة الحسينية ص15. [↑](#footnote-ref-49)
50. - صحيح الجامع الصغير ج6 ص155. [↑](#footnote-ref-50)
51. - بحار الأنوار ج99 ص240؛ الخصال ص143؛‌ وسائل الشيعة ج3 ص525. [↑](#footnote-ref-51)
52. - این حدیث، از روایات اهل تشیع است كه گواه علیه آن‌ها است، بنده در كتابی جداگانه یک باب مستقل را به جدال با آنان در این مورد اختصاص داده‌ام (مؤلف). [↑](#footnote-ref-52)
53. - وسائل الشيعة ج2 ص608؛‌ تحرير الوسيلة ج1 ص149. [↑](#footnote-ref-53)
54. - وسائل الشيعة ج2 ص607. [↑](#footnote-ref-54)
55. - اصول كافي ج3 ص333؛‌ وسائل الشيعة ج4 ص955. [↑](#footnote-ref-55)
56. - الاستبصار ج1 ص327؛‌ تهذيب الأحكام ج2 ص298؛ وسائل الشيعة ج4 ص954. [↑](#footnote-ref-56)
57. - وسائل الشيعة ج3 ص608؛ ‌السجود علی التربة الحسينية ص34. [↑](#footnote-ref-57)
58. - السجود علی التربة الحسينية ص25. [↑](#footnote-ref-58)
59. - بحار الأنوار ج101 ص118. [↑](#footnote-ref-59)
60. - بحار الأنوار ج101 ص120. [↑](#footnote-ref-60)
61. - بحار الأنوار ج101 ص122. [↑](#footnote-ref-61)
62. - مشكاة الـمصابيح ج1 ص634. [↑](#footnote-ref-62)
63. - مشكاة الـمصابيح ج1 ص638. [↑](#footnote-ref-63)
64. - مشكاة الـمصابيح ج1 ص634. [↑](#footnote-ref-64)
65. - الإستبصار ج2 ص134. [↑](#footnote-ref-65)
66. - همان مرجع سابق. [↑](#footnote-ref-66)
67. - همان مرجع سابق. [↑](#footnote-ref-67)